



* مهدی دشتی



گزارشی از چاپهای مجله التواریخ والقصص، و تصحیح مجدد آن



کتاب مجله التواریخ والقصص، اول بار به سال ۱۳۱۸ ش. توسط مرحوم ملک الشعراء بهار تصحیح شد. کار ایشان بر مبنای نسخه‌ای یگانه بود که مرحوم علامه قزوینی از فرانسه ارسال کرده بود. این نسخه که به نسخه «بلوشه» معروف است، مورخ است و تاریخ کتابت آن، سال ۸۱۳ ه. ق. است.

پس از مرحوم بهار و بعد از گذشت پنجاه سال، این بنده نیز به تصحیح مجدد مجله التواریخ، به عنوان رساله دکتری خود، مبادرت نمود و کار تصحیح را بر مبنای سه نسخه به شرح زیر در سال ۱۳۷۳ ش. به انجام رساند:

۱. نسخه متعلق به کتابخانه محمد فواد کوپرولو، واقع در ترکیه که عکس آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۹۵۱ موجود است. نسخه‌ای مورخ است که کتابت آن در روز یکشنبه چهارم شوال سال ۷۵۱ ه. به دست کاتبی به نام محمد بن طایکوی بن تموجن یحیی شادقد خوبی به انجام رسیده است.

این نسخه در ۱۸۹ برگ ۲۱ سطری و به خط نستعلیق است. اواخر باب ۲۲ و اوایل باب ۲۳، افتادگی دارد.

۲. نسخه متعلق به کتابخانه ملی پاریس که عکس آن را مرحوم علامه قزوینی برای شادروان ملک الشعراء بهار همراه با مقدمه‌ای ارسال داشته بود و همان نسخه یگانه و اساس ایشان در اولین تصحیح مجله التواریخ والقصص بوده است. این نسخه به خط نسخ نزدیک به ثلث، توسط شخصی به نام علی بن محمود بن علی نجیب رودباری به تاریخ ۲۸ جمادی الاولی سال ۸۱۳ ه. کتابت شده و تعداد صفحات آن

* دکترای زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۷۴ صفحه است که هم اکنون این نسخه عکسی به همراه مقدمه مرحوم علامه قزوینی در بخش نسخ خطی کتابخانه ملی به شماره ۲۸۵۳ و ۳۸۵۴ موجود است. در این نسخه نیز یک افتادگی ۲۱ سطری در باب بیست و سوم و یک جابجایی در همان باب، رخ داده است.

۳. نسخه متعلق به کتابخانه چیستر بیینی واقع در دوبلین که عکس آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۴۳۱ موجود است. این نسخه نیز مورخ است به تاریخ ۸۲۳ ه. و در ۱۲۳ برگ ۲۷ سطری و به خط نسخ بوده و فاقد صفحه اول است.

از میان سه نسخه مذکور، نسخه اول (محمد فواد کوپرولو) به دلیل آنکه اقدم نسخ بود، به عنوان نسخه اساس برگزیده شد. البته از مجموع گزارش مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی^۱، احمد منزوی^۲، استوری^۳، استاد محمد تقی دانش پژوه^۴ و ایرج افشار^۵ درباره نسخه‌های این کتاب معلوم شد که هر سه نسخه کاستی‌هایی دارند و هیچکدام کامل نمی‌باشد^۶ لذا مناسب آمد که نسخه اقدم با وجود آنکه کاستیش بیش از سایر نسخ بود، به عنوان نسخه اساس قرار گیرد.

نسخه کوپرولو با مقایسه دو نسخه دیگر و نیز قیاسات لازم، تکمیل و تصحیح گردید. بنابراین، شیوه اینجانب در این کار، تلفیقی از شیوه انتقادی و قیاسی می‌باشد.

قابل ذکر است که در آن زمان، این بنده از نسخه هایدلبرگ نیز مطلع بود، لکن کوششهایی که در راه دستیابی بدان اعمال نمود، متأسفانه به ثمر نرسید. تنها بر اساس بروشوری که همان کتابخانه چاپ کرده بود و در آن مشخصات نسخه هایدلبرگ را توضیح داده بود، متوجه گشت

که این نسخه، متأخرتر از سه نسخه پیشین است و به احتمال قوی از روی بعضی از آنها رونویس گشته است.^۷ ضمناً به واسطه مقاله‌ای که از بنده در مجله آشنا (شماره بهمن و اسفند ۱۳۷۳ ش.) به چاپ رسید، اولیاء کتابخانه هایدلبرگ از کار اینجانب در ارتباط با تصحیح کتاب مجمل التواریخ و القصص آگاه شدند و در این ارتباط، مکاتباتی نیز به انجام رسید.

در سال ۱۳۷۸ ش. تصحیح دیگری نیز از کتاب مذکور منتشر گشت. این تصحیح به همت سیف‌الدین نجم آبادی و زیگفرید ویر بود و در هایدلبرگ آلمان به سامان رسیده بود. آنها در مقدمه کتاب خود به چهار دستنویس مجمل التواریخ به شرح زیر اشاره کرده‌اند:

۱. نسخه بلوشه یا پاریس (P)

۲. نسخه چیستریتی دوبلین (D)

۳. نسخه کتابخانه هایدلبرگ (H)

۴. نسخه کتابخانه دولتی برلین (B)^۸

آقای نجم آبادی در سرآغاز فارسی کتاب، درباره نسخه هایدلبرگ چنین توضیح داده‌اند: «این دستنویس، چنانکه پیداست؟! از آن بازماندگان خانواده چلبی (حسام‌الدین) بوده و خاستگاه آن باید ترکیه (آسیای کهن) باشد. تاریخ نگارش ندارد و باید تازه‌تر از سده هشتم یا نهم باشد. از اینرو شاید اگر دستنویس دیگری از این کتاب در دست

نمی‌بود، این دستنویس می‌توانست پایه چاپ دوم باشد، ولی هنگام سنجش با سه دستنویس دیگر دیده می‌شود که این دستنویس هم بی غلط و بی کم و کاست نیست و برای چاپ این کتاب باید هر چهار دستنویس در پیش چشم باشد.

بر روی هم، دستنویس هایدلبرگ همه جا مستقل است، هر چند آن هم افتادگی‌هایی دارد، ولی این افتادگیها کمتر از افتادگیهای دیگر دستنویسهاست.» (صص الف و ب)

متأسفانه، مصححان این چاپ، هیچ عکسی از صفحات این نسخه خطی (هایدلبرگ) ارائه نداده‌اند تا مورد سنجش قرار گیرد که البته کاری غیر معمول است. در ارتباط با موارد افتادگیها نیز در مقدمه فارسی به اشاره‌ای کلی اکتفا شده که

باری بر نمی‌دارد و راهی نمی‌گشاید.

به گمان بنده، با توجه به مقابله‌هایی که انجام شد، این نسخه باید از روی نسخه چیستریتی یا اصل آن رونویس شده باشد، چرا که با آن مشابهتهای فراوانی هم از حیث ضبط کلمات و هم نحو جملات دارد. البته نسخه چیستریتی، صفحه اول را فاقد است، ولی این نسخه ظاهراً دارد. لکن این تفاوت مهم نیست و قابل توجه است بدین معنی که در زمان این رونویسی، نسخه چیستریتی می‌توانسته صفحه اول خود را هنوز دارا بوده باشد. بنابراین تاریخ کتابت نسخه هایدلبرگ به احتمال قوی باید پس از سال ۸۲۳ ه. باشد و این نسخه امتیاز ویژه‌ای نسبت به نسخه چیستریتی ندارد. این مطلب هم که مصحح محترم، مدعی استقلال و نیز

کاملتر بودن نسخه هایدلبرگ نسبت به دیگر نسخه‌ها شده‌اند، مطلبی است که مقابله‌ها آن را تأیید نمی‌نمایند.

بنابراین باز به سه نسخه اصلی

می‌رسیم:

۱. بلوشه (= P بهار)

۲. چیستریتی دوبلین (D) که با

نسخه هایدلبرگ تقریباً برابری دارد.

۳. نسخه کتابخانه دولتی برلین (B)

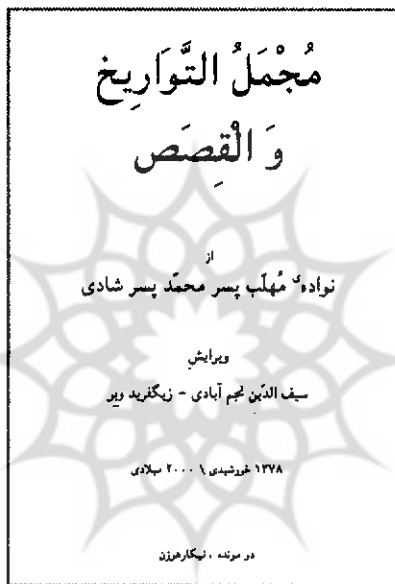
که در واقع همان نسخه معروف مجموعه محمد فؤاد کوپرولو است.

از مقدمه مبهم و کلی آقای نجم

آبادی هم معلوم نمی‌شود که شیوه

تصحیح بر چه سبک و سیاقی بوده است. ترجمه مقدمه آلمانی کتاب هم در حدی که انجام شد، پاسخ روشنی بدین سؤال نداد، البته با توجه به شرح نسخه بدلها که در پایان کتاب آمده، می‌توان حدس زد که ظاهراً مصححان خواسته‌اند تا با استفاده از هر چهار نسخه، متنی فراهم آورند که تا حد امکان، کامل باشد. و در این میان نسخه هایدلبرگ را به عنوان نسخه اساس در نظر داشته‌اند. در موارد اختلاف و بویژه، جاهایی که نیاز به قیاس و تصمیم‌گیری علمی داشته، نیز بنا به تصریح آقای نجم آبادی^۹ عمدتاً به مطالب مرحوم بهار، اکتفا و اکتفا شده است.

این حسن توجه به مرحوم بهار که بیشتر به شیفتگی



می‌ماند. تا حدی است که مصححان محترم را حتی از مراجعه به مقالات انتقادی مرحوم استاد بدیع‌الزمانی بر چاپ اول کتاب *مجمَل التواریخ و القصص* باز داشته است.^{۱۱} در مقدمه آلمانی کتاب (صص ۳۵ به بعد) در ارتباط با چهار نسخه مذکور، مطالبی عنوان شده که حائز اهمیت است و ترجمه نکات عمده آن به شرح زیر است:

«این نسخه‌ها، سیصد سال پس از نسخه اصلی نوشته شده است. اختلافات جمله‌ها و تغییرات متن در این نسخه‌ها، می‌تواند جالب باشد.

این چهار نسخه یکدیگر را تکمیل می‌کنند. نسخه H (هایدلبرگ) موضوعات پراهمیتی را مطرح می‌کند که دیگر نسخه‌ها آنها را ندارند.^{۱۲} نسخه D (چیستر بییتی دویلین) در مورد مطالب عربی و اشعار و مکانها و افراد، مورد اعتماد است.

نسخه B (برلین) = محمد فؤاد کوپرولو که قدیمی‌ترین است، اهمیتی بسزا دارد، ولی دارای لغات تازه و طرز نگارش جدید است. این تغییرات که بوسیله کاتب انجام گرفته است، برای این بوده که خواسته‌اند متن را برای خواننده، واضح‌تر کنند.

نسخه P (پاریس = بلوشه و بهار) دارای زبانی قدیمی و دارای روش نویسندگی کهنه است که در رابطه با نسخه H است.^{۱۳}

اگر چه نسخه‌ها یکدیگر را تکمیل می‌کنند، ولی اختلافات املائی، دستوری و نگارشی و لغوی به نسخه نویسان بر می‌گردد.

در بعضی جاها که چیزی افتاده است، بعضی نسخه‌ها مثل هم است و این به علت بی‌دقتی کاتب بوده است.

خطاهایی که در نسخه‌ها روی داده، ناشی از عوامل چندی به شرح زیر است:

۱. بی‌دقتی کاتب.
۲. کاتب نتوانسته کلمه‌ای را بدرستی بخواند.
۳. در مدت این سیصد سال، بعضی از مکانها از میان

رفته‌اند و نام افراد هم در طول این مدت به فراموشی سپرده شده است.

۴. گاهی تغییر نقطه، کلمه‌ای را به صورت کلمه‌ای دیگر در آورده است.

۵. پس از ورود اسلام، بعضی از مکانها تغییر نام یافته است.

۶. پس از ورود اسلام، نام بعضی از مکانها به گونه‌ای دیگر تلفظ شده است.

۷. کاتبان در مورد بعضی واژگان (اسامی)، عبارات دینی (دعائی) خاصی به کار برده‌اند. مثلاً در نسخه «D» محسوس است که پس از اسم خلیفه عثمان که جمله‌ای دعائی به کار رفته بود، آن کلمه تراشیده شده و بجای آن ناسزایی نوشته شده است. احتمالاً مالک یا کاتب کتاب، این کار را کرده

است.» در مجموع کاری که در چاپ هایدلبرگ انجام شده، مفید، ارزشمند و شایسته تحسین است. لکن کافی نیست و با توجه به نکاتی که در تصحیح اینجانب رعایت شده و شرح آن پس از این خواهد آمد، به نظر می‌رسد که چاپ دیگری از این کتاب در داخل کشور، بایسته و ضروری است:



۱. شیوه تصحیح، روشن و مشخص است. بدین شرح که نسخه اقدم به عنوان نسخه اساس قرار گرفت و بعد در هر جا که نسخه بهار یا چیستر بییتی، مرجح تشخیص داده شده، متن مطابق آنها نوشته شد و میان دو کمان () قرار

گرفت. هر جا هم که مطالب هر سه نسخه نامناسب به نظر آمد و قیاساً مطلبی اضافه شد، آن مطلب میان دو قلاب [] قرار داده شد، بدین ترتیب شیوه این تصحیح، تلفیقی از شیوه انتقادی و قیاسی است.

۲. وضع نسخ از حیث کمال و نقصان و نیز رسم الخط آنها، به‌دقت، تبیین و ارزیابی شده است.

۳. آیات، روایات، اشعار و عبارات عربی دقیقاً مشکول گردیده و منابع آنها تحقیق شده است.

۴. کلیه اشعار و عبارات عربی، ترجمه شده است.

۵. اشتباهات تاریخی مؤلف و بسیاری از نکاتی که مرحوم

بهار بدانها اشاره‌ای نداشته است. در بخش تعلیقات ۱۴ توضیح داده شده و بخش اعظم مشکلات کتاب حل شده است.
۶. ضبط دقیق اعلام با مراجعه به منابع گوناگون، مورد تحقیق قرار گرفته است.

۷. در هر جا که لازم بود، مطالب کتاب با منابع متقدم بر آن، سنجیده شد.

۸. انتقادات بجای مرحوم بدیع‌الزمانی بر چاپ مرحوم بهار، همه‌جا مورد استفاده قرار گرفت و با عنوان «بدیعی» یا «بدیع‌الزمانی» مشخص شد.

۹. حواشی مرحوم استاد مجتبی مینوی بر نسخه چاپی بهار، یکجا در آخر آورده شد.

۱۰. کتاب از حیث گونه زبانی، واژگانی، صرفی و نحوی و رسم‌الخط، مورد تحقیق ویژه قرار گرفت که در مقدمه آورده شده است.

۱۱. تا جایی که مقدور بود، سعی شد تا از همه پژوهشهای پنجاه سال اخیر در ارتباط با حل و تبیین و تصحیح مطالب کتاب استفاده شود که بدین منظور به حدود سیصد منبع مراجعه گردید که در بخش کتابشناسی ماخذ، معرفی شده است. با همه این احوال، این بنده می‌داند و معترف است که این کار هنوز به مرحله کمال نرسیده و نیاز به بحث و پژوهش بیشتر وجود دارد و البته کار اینجانب نیز نمی‌تواند خالی از سهو و کاستی باشد، لکن عمیقاً معتقد است که این کار، گام مؤثری در راه رسیدن به مقصود است. ان شاء الله.

پی‌نوشتها

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۰، ج اول.
۲. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۶، ص ۴۱۹۵.
۳. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه به فارسی از یحیی آرین پور، سیروس ایزدی و کریم کشاورز، ج ۲، ص ۴۴۳.
۴. فهرست میکرو فیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱۸۵ و ج ۲، ص ۱۴۱.
۵. نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر دوم، ش ۸۸، ص ۲۷۸.
۶. البته بعداً با دقت و تأمل بیشتر معلوم گردید که گزارش این فهرست‌نویسان درباره نسخه‌های کتاب خاصه از نظر کاستی‌ها و نوع خط آنها، دقیق نمی‌باشد.
۷. اکنون این گمان قریب به یقین شده است و اینجانب بر آن است که نسخه هایدلبرگ یا از روی نسخه چیستریتی نوشته

شده یا آنکه هر دو دارای اصلی واحد بوده‌اند.

۸. این نسخه در واقع، همان نسخه مجموعه محمد فؤاد کوپرولو است که بنا به گزارش استوری (ج ۲، ص ۴۴۴) توسط کتابخانه دولتی برلین خریداری شده و اکنون در آنجاست. خالی از تفریح نیست که متذکر شوم آقای ایرج افشار با صرف هزینه‌ای گزاف که ایرانیان مقیم خارج از کشور آن را پرداخت کرده‌اند، عکسی از این نسخه را تهیه کرده و در داخل کشور به طرز فاکسی میله و با قیمت حیرت‌انگیز ۴۵۰۰ تومان به چاپ رسانده‌اند. در حالی که کافی بود چند قدمی بر می‌داشتند و عکسی از این نسخه را که به همت مرحوم استاد مجتبی مینوی، سالها پیش از ترکیه تهیه شده و اینک در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۹۵۱ موجود است، مورد استفاده قرار می‌دادند تا حاصل کار هم از نظر مادی برای ایرانیان داخل و خارج از کشور به صرفه‌تر باشد و هم وهنی به مقام شامخ استادی وارد نیاید. به ویژه که ایشان از وجود چنین نسخه‌ای در ایران کاملاً مطلع بوده‌اند و سالها پیش در ارتباط با این نسخه و دیگر نسخ کتاب مجمل‌التواریخ مقاله‌ای نگاشته بودند (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر دوم، ش ۸۸، ص ۲۷۸). چاپ این نسخه نیز ظاهراً در کمال شتابزدگی انجام شده، به نحوی که در روی جلد تاریخ کتابت نسخه ۷۵۲ و در داخل کتاب ۷۵۱، ذکر شده است.

۹. سرآغاز کتاب، صص ک و م.

۱۰. در بخش کتابشناسی که به آلمان نوشته شده (صص ۷۰-۱۵۷) هیچ نامی از مرحوم بدیع‌الزمانی و مقالات ایشان به چشم نمی‌خورد.

۱۱. مرحوم استاد بدیع‌الزمانی، استاد فقید دانشگاه تهران در طی نزدیک به پنجاه مقاله که از سال ۵۲ تا اواخر سال ۵۶ در مجله گوهر چاپ و منتشر کردند، به نقد و ارزیابی صفحه به صفحه و گاه سطر به سطر چاپ مرحوم بهار همت گمارد، و قریب به پانصد مورد اشتباه و لغزش را که به متن یا به حواشی مرحوم بهار راه یافته بود، تشخیص دادند. غالب این لغزشها از ناحیه لغات و عبارات عربی مندرج در کتاب بود و نیز ضبط پاره‌ای از اعلام که البته با توجه به وسائل و امکانات محدود پژوهش در آن زمان و نیز فرصت اندک و وضع مزاجی ظاهراً نامساعد مرحوم بهار و همچنین منحصر به فرد بودن نسخه و خرابی آن؛ تا حدودی قابل اغماض به نظر می‌رسد.

۱۲. ای کاش به نمونه‌ای از این موضوعات پراهمیت، اشاره می‌شد.

۱۳. مقابله‌های ما نیز مؤید این نکته است که میان نسخه P، H، D از حیث زبان و سبک نویسنده‌گی، مشابهت‌های فراوانی وجود دارد.

۱۴. بخش تعلیقات دارای حجمی معادل یکصد و هفتاد صفحه است.